



بیادداشت

فرمان تشدید سرکوب و انتقامجویی از مردم در سخنان خامنه‌ای

صادق کار



فرمان محارب و محارب کشی دوباره در مجلس و دستگاه قضایی بلند شد، مزدوران اژه‌ای در قوه قضایی شروع به صدور فرمان اعدام جوانان و نوجوانان کردند و فریاد وای وطنای بی وطنان حکومتی و وای تجزیه وطن توسط دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم از هر سو بلند شد و بساط تهدید و ارباب و تفرقه افکنی پهن تر شد. بلکه به کمک آنها بتوانند جنبش انقلابی را سرکوب و حکومت متزلزل شان را از واژگونی ولو برای مدتی هم که شده برهانند. اما این تبهکاری‌ها به نفرت و انزجار و انسجام بیشتر مردم از رژیم و تقویت عزم و اراده آنها برای برکناری آن منجر خواهد شد

سخنان تند و تهدید آمیز و انتقامجویانه علی خامنه‌ای در این هفته آن امید کاذبی را که بعضا به عقب نشینی راس بلوک قدرت داشتند علی الحساب به باد فنا داد

رهبر خودکامه و جنایتکار رژیم بیدادگر فقهاتی در آخرین سخنرانی اش که در این هفته ایراد کرد بار دیگر بر مخالفان و مبارزان و منتقدین نظام، حتی به آنهایی که خواهان ایجاد تعدیل در سیاست و رفتار حکومت برای نجات رژیم از ورطه سقوط بودند تاخت و اتهامات بی بنیاد پیشین خود علیه مبارزان جنبش انقلابی را بدون اینکه مدرکی دال بر صحت اظهارات خود به دست دهد تکرار کرد

او در واکنش به درخواست‌های متعددی که خواهان اجرای رفراندوم شده بودند، با نام بردن از تجمع چند هزار نفره هواداران رژیم در ۱۳ آبان و همچنین شرکت کنندگان در مراسم خاکسپاری قاسم سلیمانی در سه سال پیش انجام رفراندوم را رد کرد و نشان داد بر خلاف حرفهای ظاهری اش تا چه اندازه رژیم خود را منزوی و مطرود می بیند که حتی حاضر نیست درخواست به رفراندوم گذاشتن خود و رژیم اش را که مطابق قانون خودش از آغاز تا پایان در آن رل اصلی را به عهده دارد بپذیرد

انتشار نتیجه نظر سنجی‌های انجام شده توسط نهادهای وابسته به حکومت و همچنین افشای برخی مسائل درونی حکومت مانند گزارشهای افشا شده خبرگزاری فارس توسط هکرها و محتویات بولتن محرمانه برای سردار سلامی فرمانده سپاه پاسداران که همگی خلاف ادعاهای خامنه‌ای و جیره خوران او بود هم باعث نشد تا خامنه‌ای از تکرار اتهامات سخیف خود به جنبش انقلابی کوتاه بیاید



ساعاتی بعد از سخنرانی خامنه‌ای در جلسه با بسیجیان، لحن گفتار اژه‌ای و قالیباف که در این اواخر از شنیدن سخنان مخالفان و تغییر سیاست‌های اشتباه و گفتگو با مخالفان دم می‌زدند صد و هشتاد درجه چرخش کرد و لحن و پیام‌هایشان علیه معترضین تند و خشن‌تر از پیش شد و معلوم شد روسای دستگاه قضایی و مجلس رژیم حتی به اندازه یک نوکر نزد ارباب خود اجازه و اختیار ندارند. کما اینکه تقاضای اصلاح طلبان حکومتی برای ابراز نگرانی از به خطر افتادن بقای رژیم و نامه نگاری خاتمی در این مورد نیز برای تغییر رویه مورد الطفات رهبر خودکامه قرار نگرفت و موجب خشم او شد.

افشای بخشی از اسرار پشت پرده رژیم اما صحت چند موضوع را که مخالفان به حدس و گمان گفته بودند تأیید کرد. معلوم شد که کار شکاف در درون رژیم تا شکر آب شدن مناسبات میان خامنه‌ای و رئیس جمهور دست‌نشانده‌اش و همچنین بین خامنه‌ای با شمشخانی مهره اصل کاری وی در شورای امنیت ملی یعنی در راس هرم قدرت پیش رفته است. نیروی سرکوب رژیم در اثر تداوم و گسترش جنبش فرسوده و ناتون‌تر از آن است که بتواند حریف جنبش انقلابی بشود، ۸۳ درصد مردم از رژیم روی برتافته‌اند، منشاء جنبش خلاف ادعای خامنه‌ای و مزدوران او داخلی است و سرکوب آن فعلاً عملی نیست.

همه موارد نامبرده از پیش برای خامنه‌ای و سرکردگان رژیم تبهکار او روشن بود. با این حال آنها نمی‌خواهند بیزاری و منفوربودن خودشان در میان مردم را بپذیرند و تن به خواست مردم بدهند. بهمین جهت بعد از سخنرای آخر خامنه‌ای که در واقع چیزی غیر از فرمان تشدید سرکوب و کشتار و انتقامجویی از مردم نیست، عملیات سرکوبگران تشدید شد. نیری از اعضای گروه قتل عام جنایتکارانه هزاران زندانی سیاسی در سال ۶۷ به خدمت فرا خوانده شد. فرمان محارب و محارب کشی دوباره در مجلس و دستگاه قضایی بلند شد، مزدوران اژه‌ای در قوه قضایی شروع به صدور فرمان اعدام جوانان و نوجوانان کردند و فریاد وای وطنای بی وطنان حکومتی و وای تجزیه وطن توسط دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم از هر سو بلند شد و بساط تهدید و ارباب و تفرقه افکنی پهن تر شد. بلکه به کمک آنها بتوانند جنبش انقلابی را سرکوب و حکومت متزلزل شان را از واژگونی ولو برای مدتی هم که شده برهانند. اما این تبهکاری‌ها به نفرت و انزجار و انسجام بیشتر مردم از رژیم و تقویت عزم و اراده آنها برای برکناری آن منجر خواهد شد.

ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می‌کنیم!

همه با هم علیه سرکوب جنبش انقلابی سراسری متحدانه مبارزه کنیم!

از اعتصاب معلمان و کارگران و دانشجویان و دانش آموزان حمایت کنیم!

در هر کجا که هستیم از همه امکانات برای بسیج افکار عمومی علیه کشتار و سرکوب معترضان بهره بگیریم!

آیا "تضمین اشتغال" اشتغال را تضمین می کند؟ بخش بیست و یکم.

"تحلیل انتقادی برنامه های دولت به عنوان "کارفرمای ملجأ نهانی
هیو استورجس



نوامبر ۲۰۲۲: تشکیل پانلی برای اصلاح "تضمین اشتغال" در هند

طرفداران "تضمین اشتغال" با این گزاره که دولت نیازی به رعایت معیارهای محدود ناظر بر "کارایی" ندارد، به این مشکل پاسخ می دهند. این درست است اگر "کارایی" به عنوان حداکثر کردن سود تعریف شود. اما مقابله با منطق بازار باعث می شود آنان به درجاتی مبالغه آمیز تأکید داشته باشند که دولت نباید نگران معیارهای محدود ناظر بر کارآمدی باشد. مثلاً فورستاتر استدلال می کند که "دولت باید به سادگی در آن عرصه از فعالیتها پا بگذارد که از تجهیزات با عرضه کافی استفاده می کنند،

تضمین اشتغال در عمل: واقعیت‌های سیاسی و اداری -4 چهارضلعی ناممکن: منافع اجتماعی در برابر مهارت پائین - ادامه

یکی از راه‌هایی که "تضمین اشتغال" برای رفع این مشکل دارد، گنجاندن یک جزء آموزشی در برنامه است. و رای مطرح می کند آن کارگران تحت پوشش "تضمین اشتغال"، که مراقبت‌های اجتماعی را به عهده دارند، می توانند در کلاسها و سمینارهای ذیربط شرکت کنند، در حالی که کسانی که در مدارس دولتی کار می کنند، می توانند برای کسب «دیپلم دبیرستان یا مدارک پیشرفته» ادامه تحصیل دهند. کوک یک طرح دقیق برای برنامه های آموزشی از جمله آموزش فنی و تجربه در حین کار ارائه داده است. به واقع این چاره از برخی از مشکلات ناشی از استخدام کارگران موقت و با دستمزد پایه برای ارائه خدمات عمومی



جلوگیری می کند، اما با نقش "سهام ذخیره"، به عنوان یکی از ارکان "تضمین اشتغال" در تضاد است. کارگری که به یک برنامه آموزشی جامع مشغول است، نمی تواند "سهام ذخیره" ای محسوب شود که برای جذب بیکاران در طول دوره های رکود منظور شده است. قاعدتاً ارائه خدمات آموزشی جدی به کارگران باید در بسته ای از آموزشهای حرفه ای و مهارتی در یک دوره زمانی مجزا صورت گیرد. در این حالت به احتمال بسیار کارگران تا زمانی که آموزش شان کامل نشده باشد، در برنامه باقی خواهند ماند، و بنابراین، آن چنان که "تضمین اشتغال" فرض می کند، برای تثبیت دستمزدها به سادگی بین این بازار و بازار کار عادی جابجا نخواهند شد.

از سوی دیگر، کارگران "تضمین اشتغال" فقط می توانند در موقعیتهای کمکی با مسئولیتهای کم یا تماماً بدون مسئولیت قرار بگیرند. فورستاتر از "دستهای یاری دهنده" اضافی در مدارس، بیمارستانها و فضاهای عمومی صحبت می کند. اگر این به معنای انجام کارهای معمولی و کم مسئولیت باشد – مثل آماده کردن چای و قهوه یا رفتن و آوردن لوازم التحریر – به واقع می توان این قبیل کارها را با آموزش کم یا بدون آموزش انجام داد. اما این قبیل کارها سرمایه انسانی را توسعه نمی دهند و بیکاری را با جذب کارگران بیکار به مشاغل ساده و کم کیفیت، که از آنها حاصل کمی نصیب شان خواهد شد، "حل" می کند: نوعی بیکاری پنهان، یا بیکاری با نامی دیگر، یا حداقل نوعی کمکاری حاد. همزمان منتفی نیست که این کیفیت، از جمله توسط خود کارگران، شکلی از کار تلقی گردد. کارگران "تضمین اشتغال" ممکن است "مشاغل" کم کیفیت و کم مسئولیت را نوعی اختراع برای پنهان کردن بیکاری یا آزمونی تنبیهی به دلیل تمایل شان به کار تلقی کنند.

کار فعالیتی واحد مزایای غیراقتصادی است (احساس موفقیت و مشارکت در جامعه). کسب این مزایا اکیداً وابسته با آن است که آیا در انجام فعالیت مورد نظر از مهارتهای کارگر به خوبی استفاده می شود یا نه. منفعت اجتماعی مشاغل در صورت تراکم پرسنل در موقعیتهای ابتدایی به شدت تنزل می یابد و کاهش بازده به سرعت آشکار می شود. حتی به طور بالقوه، با توجه به این که تراکم پرسنل استفاده از امکانات عمومی را افزایش می دهد، بازده ممکن است منفی شود. این نیز بسیار محتمل است که مردم به این نوع مشاغل به عنوان طریق مناسبی برای استفاده از منابع همومی نگاه نکنند. چنان که ساویر استدلال می کند، اگر در چشم عموم کارگران دستمزدی بیش از محصول کارشان دریافت کنند، این قضاوت که دارند برای هیچ پول می گیرند، جا باز می کند. و عمر چنین برنامه ای بعید است دراز باشد.

طرفداران "تضمین اشتغال" با این گزاره که دولت نیازی به رعایت معیارهای محدود ناظر بر "کارایی" ندارد، به این مشکل پاسخ می دهند. این درست است اگر "کارایی" به عنوان حداکثر کردن سود تعریف شود. اما مقابله با منطق بازار باعث می شود آنان به درجاتی مبالغه آمیز تأکید داشته باشند که دولت نباید نگران معیارهای محدود ناظر بر کارآمدی باشد. مثلاً فورستاتر استدلال می کند که "دولت باید به سادگی در آن عرصه از فعالیتهای با بگذارد که از تجهیزات با عرصه کافی استفاده می کنند، یا در جاهایی که معلوم است انعطاف بالایی در عرضه وجود دارد". به همین ترتیب، میتچل و ورای نیز مشاغل "تضمین اشتغال" را "دارای ارزش نزدیک به صفر در بازار خصوصی" اما دارای "ارزش اجتماعی" مثبت توصیف می کنند. اظهاراتی از این دست حاکی از آن اند که به زعم طرفداران "تضمین اشتغال" دولت به هیچ وجه نباید به ارزشمندی پروژه های "تضمین اشتغال" توجه کند. چرنووا تصریح دارد که "هر کاری که کارگران برنامه "تضمین اشتغال" انجام می دهند، همیشه بهتر از هیچ کار نکردن است". همچنین ورای بر این نظر است که مزایای غیراقتصادی یک شغل (برای فرد) ممکن است انجام آن را در چارچوب "تضمین اشتغال" نهایتاً مثبت کند، حتی اگر از دیدگاه اقتصادی محدود، هزینه های آن بیشتر از منافع اش باشند. او فرض را بر این می گذارد که کارگر با انجام کارهای بیفایده متحمل هیچ "هزینه فرصتی" برای استخدام نمی شود. برعکس، حتی با پیروی از منطق تئوری پولی مدرن، یک شغل بیفایده تحت پوشش "تضمین اشتغال" نیز مصرفی از منابع ملی است، که می تواند به طور مؤثرتری در پروژه های دیگر به کار آید. این گزاره همچنین مبتنی بر این فرض



ضمنی است که کارگران حتی در یک شغل تماماً دلخواه نیز از مزایای اجتماعی و شخصی کار بهره‌مند خواهند شد.

در متن حاضر اصطلاح تضمین اشتغال در معنای عام آن منظور است، و "تضمین اشتغال" (در داخل * گیومه) در معنای خاص آن، که در بخش ۱ این مقاله چنین تعریف شده است

1. تضمین اشتغال "ظرفیت بینهایت منعطفی را برای نیروی کار فراهم می آورد: یک امکان همگانی" برای همه، بدون هیچ آزمونی، یا با این و آن محدودیت زمانی یا محدودیت عددی.
2. دستمزد این برنامه برای کارگران، حداقل دستمزد است. از این قرار این برنامه کارگران تحتانی در بازار کار را استخدام می کند. بنابراین با دیگر کارگران در بازار کار به رقابت برنمی خیزد و فقط کارگرانی را استخدام می کند که در غیر این صورت بیکار خواهند ماند. دستمزدها به نحو "برونزا" تثبیت شده اند، به این معنا که توسط دولت تعیین می شوند و بنابراین افزایش دستمزد به منظور حفظ کارگران رخ نمی دهد.
3. تضمین اشتغال "نوعی اشتغال کامل "سست" است، به این معنا که کارگران آزادند، زمانی که " چشم انداز شغلی بهتری وجود دارد، "به میل خود" از آن بیرون روند و به بازار کار معمولی بپیوندند. بنابراین نیروی کار تحت پوشش این برنامه نسبت به شرایط اقتصاد به طور معکوس تغییر می کند. برنامه "تضمین اشتغال" به طور خودکار تنظیم می شود تا نیروی کار لازم مشاغل معین را فراهم کند؛ بنابراین موجب تقاضای اضافی برای نیروی کار نمی شود.
4. کارگران برنامه، کارهای اجتماعی مفیدی را انجام می دهند، اما نه کارهای مرسوم را که مداوماً توسط "خط اصلی" در بخش عمومی انجام می شوند. طرفداران "تضمین اشتغال" طیف تقریباً نامحدودی از فعالیت‌ها را پیشنهاد می کنند که می تواند به کارگران برنامه سپرده شود. از آن جمله اند: مراقبت از کودکان و سالمندان، طرحهای محیط زیستی، فعالیت‌های جمعی و خدمات اجتماعی از طریق بخش غیرانتفاعی. شرط انجام یک پروژه در چارچوب "تضمین اشتغال" این است که پروژه به نحوی دارای یک منفعت اجتماعی باشد

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی!

کار، رفاه، آزادی!



از اعتصاب و خواسته های به حق کامیونداران حمایت کنیم

صادق



دامنه اعتصاب کامیون داران که از ۵ آذر با فراخوان یکی از تشکلهای مستقل کامیون داران شروع شده است و قرار است تا ۱۶ آذر ادامه داشته باشد در پنجمین روز اعتصاب به ۲۰ شهر امتداد پیدا کرده است.

به رغم تکذیب خبر این اعتصاب مهم توسط مسئولین دولتی و برخی نهادهای مرتبط با دولت و برقراری سانسور خبری در اکثر رسانه های مجاز داخلی خبرها و تصاویر مربوط به این اعتصاب توسط کانال های خبر رسان مجازی خارج از حیطه نفوذ حکومت همراه با مطالبات کامیون داران منتشر شده است.

اعتصاب کامیون داران بواسطه نقش پر رنگی که آنها در توزیع کالا و مواد اولیه دارند حائز اهمیت است و طولانی شدن این اعتصاب پیامدهای منفی بسیاری نه تنها برای دولت و جامعه خاصه در موقعیت بحرانی کنونی در بر دارد بلکه به واسطه اینکه در شرایط جنبشی در کشور رخ می دهد نیز حائز اهمیت است. کما اینکه در فراخوان دعوت به اعتصاب که توسط یکی از تشکلهای مستقل کامیون داران بنام " اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان" هم آمده از جنبش زن زندگی، آزادی حمایت شده است. این تشکل در فراخوان به اعتصاب خود پس از تشریح علل تصمیم به اعتصاب می نویسد: "ما چطور می توانیم با این مشکلات سازش کنیم درحالی که الان تمامی مردم برای حق خواهی بلند شده اند. گذشته از این چطور می توانیم در برابر مظلومیت همکارانمان و سایر مردمان درکرستان و در بلوچستان در ایزه و سایر شهرهای در خون تپیده آرام باشیم! پس بیایید همراه با همه مردم فریاد اعتراض و اعتصاب و حق خواهیمان را برسانیم به این منظور ما از روز ۵ آذر در سراسر کشور اعتصاب مان را شروع می کنیم. از همه همکاران "در سراسر کشور می خواهیم به این اعتصاب بپیوندند

هم از این روست که تشکلهای رسمی مرتبط با حکومت که نقشی در این اعتصاب ندارند و از فحواي موضع گیری هایشان پیداست که با اعتصاب همراه نیستند وجود اعتصاب را انکار می کنند

محمد حسین انصاری، نایب رئیس کانون انجمن های صنفی شرکتهای حمل و نقل داخلی کالا در گفتگویی که "تجارت نیوز" در خصوص اعتصاب جاری با او انجام داد، ضمن تأیید نارضایتی کامیونداران از گرانی وسایل یدکی و مشکلات مربوط به سوخت، منکر اعتصاب شد و این روزنامه از قول او نوشت: "... امروز هم مشکلاتی برقرار است، اما نمی توان نام آن را اعتصاب گذاشت. به نظر می رسد تعدادی از کامیونداران "چنین شایعه ای را گسترش داده اند تا کرایه بیشتری از حمل کالا بگیرند



از این گفته معلوم می شود که شرکتهای بزرگ و انجمن های مربوط به آنان در این اعتصاب نقش و شرکت ندارند و اعتصاب توسط کامیونداران غیر شرکتی و مستقل سازماندهی شده است. اما نداشتن نقش در اعتصاب به این معنی نیست که آنها از نتایج اعتصابی که در آن نقشی ندارند بی بهره می مانند. اینها به واقع نقش مسافرانی را دارند که به حساب دیگران در قسمت درجه یک کشتی سوار شده اند. چرا! که از همه امتیازاتی که در اثر این اعتصاب حاصل شود آنان نیز بهرمنند می شوند

یکی از دلایل این اعتصاب کمبود گازوئیل و وجود صف های طولانی و کاهش عرضه سهمیه گازوئیل با نرخ دولتی است. تجارت نیوز در خصوص علت این اعتراض کامیون داران نوشت

سیدجلال موسوی، نایب رئیس کانون انجمن های صنفی کامیون داران کشور، به : سهمیه پایه کامیون داران " برای گازوئیل حذف شده و به جای آن ماهانه براساس نوع کامیون و محاسباتی که پایه آن مشخص نیست به هر کارت سوخت بین 100 تا 200 لیتر سهمیه واریز می شود

او ادامه داد: همین مقدار سهمیه هم در موعد مقرر واریز نمی شود و به طور مقطعی و خرد در طول ماه به کارت سوخت آن را در دسترس رانندگان قرار می دهند. بنابراین رانندگان خواستار بازگشت به ساختار "اختصاص سهمیه پایه تا سقف 2000 لیتر با نرخ 300 تومان هستند

در واقع کاهش سهمیه گازوئیل به نرخ دولتی از ۲۰۰۰ لیتر به ۲۰۰ لیتر در ماه در راستای سیاست آزاد سازی قیمت سوخت است که دولت رئیسی به این شکل می خواهد آن را حقه کند و در عین حال قیمت کرایه را به صورت دستوری پائین نگهدارد. این سیاست در مورد سایر مشاغل نیز دنبال می شود. با این همه امری است ابلهانه که قابل دوام نیست و با اعتراضات گسترده از هر سو مواجه شده است و محکومت به شکست است. زیرا حذف سوبسید ها و آزادی قیمتها به حکم خامنه ای توسط دولت دست نشانده وی به افزایش غیر قابل تحمل قیمت کلیه کالاها و خدمات منجر شده است و مانند سایر سیاستهای رژیم زورگو و مستبد محکوم به شکست می باشد

با این وصف اعتصاب تانکر های سوخت رسان و امتناع رانندگان تانکر های سوخت رسان در پالایشگاه آبادان که بنا به برخی گزارشات در پنجمین روز اعتصاب شروع شده به اندازه کافی گویای نقش و تاثیر این اعتصاب بر سوخت رسانی در سراسر کشور و دامن زدن به بحرانی است که قبل از این اعتصاب هم وجود داشت. تاثیر اعتصاب در رساندن آرد به نانوایا را اگر در نظر بگیریم بیشتر به اهمیت قضیه پی می بریم. در واقع هر گونه وقفه در جابجایی کالا تاثیرات منفی زیادی در تمام عرصه ها از رساندن سوخت و آرد و دارو تا مواد و لوازم واحدهای تولیدی و خدماتی دارد. تاثیر این نوع اعتصاب بواسطه ناکافی بودن ذخایر مورد نیاز کشور به مراتب بیشتر از کشورهای استراتژیک کافی دارند. گوجه فرنگی یک کالای استراتژیک محسوب نمی شود با این وصف روزنامه تجارت نیوز بعد از شروع اعتصاب کامیونداران نوشت: " قیمت گوجه با رسیدن به نرخ ۲۵ هزار تومان به سر تیر اخبار تبدیل شد. در حالی که رؤسای ... اتحادیه های باغداران و بارفروشان اعتصاب کامیون داران را عامل گرانی گوجه طی دو روز اخیر می دانند،

اعتصاب کامیونداران به مانند اعتصاب ها و اعتراض های گروه های شغلی دیگر و همچنین دلایلی که آنان را به اعتصاب واداشته منطقی و به حق هستند. از دیگر دلایل اعتصاب کامیون داران گرانی لاستیک، وسایل یدکی، سرویس و تعمیرات و انتظار طولانی بی مزد در صف های طولانی پمپ بنزین هستند

ریشه مشکلات در حلقه نخست به سیاست آزاد سازی قیمتها و حذف سوبسید ها و سایر سیاستهای زورگویانه حکومت و پیامدهای ویرانگر و غیر قابل تحمل آن بر می گرد که از یکسو باعث افزایش تورم و نجومی شدن قیمتها و از سوی دیگر کاهش فزاینده درآمدهای مردم و کساد کاری و کسب ها و بی ارزش شدن دستمزد و حقوق مردم شده است. با وجود تمام اعتراضات حکومت نتوانسته و نخواسته است به مطالبات گروه های شغلی ناراضی پاسخ درست بدهد. از همین روی مردم با وجود این رژیم آینده ای برای

خود نمی بینند و تمایل اکثریت جامعه متوجه برکنار کردن حکومت فاسد و ناکارآمد و سرکوبگر گردیده. از اعتصاب و مطالبات به حق کامیون داران زحمتکش دفا کنیم تا آنان بتوانند به خواسته هایشان برسند و الهام بخش گروه هایی بشوند که مانند آنها حقوق شان پایمال میشود

با اعتصاب و اعتراض و پیوستن به جنبش انقلابی و آزادیخواهانه سراسری مردم از آن حمایت کنیم!

جان زندانیان سیاسی در خطر است، همه با هم متحدانه برای آزادی شان مبارزه کنیم!

و عده سر خرمن رئیسی به پرستاران در روز پرستار

صادق



در واقع و در بهترین حالت دولت می خواهد همان بلایی را بر سر تعرفه گذاری بیاورد که بر سر همسان سازی حقوق بازنشستگان و رتبه بندی معلمان و ماده ۱۰ مربوط به مزایای شغلی کارگران رسمی نفت آورد. امیدواریم تا سال آینده به همت همه کسانی که ۴۳ سال حقوق شان پایمال شده نه اثری از رئیسی و حکومت باقی بماند و نه جایی برای این همه فریکاری و دوز و کلک و پرستاران زحمتکش بتوانند بجای اعتراض در روز پرستار و بدون دغدغه های شغلی کنونی این روز را با جشن و شادی برگزار کنند

روز پرستار در ایران همواره برای پرستاران فرصتی بوده است تا بتوانند مشکلات و مطالبات خود را مطرح و انجام آنها را از مسئولین ذیربط بخواهند. چنانکه در روزهای گذشته پرستاران و کادر درمانی به همین مناسبت چند تجمع در اعتراض نسبت به وضعیت شغلی و اندک بودن دستمزد و حقوق و ندادن مزایای شغلی خود به امید اینکه مسئولین دولتی با آنها موافقت کنند برگزار کردند

البته بی توجهی به مشکلات و مطالبات صنفی پرستاران و همچنین بر پایی اعتراضات متعدد توسط آنان سالهاست که ادامه دارد با این حال نه تغییر و بهبودی در وضعیتشان بوجود آمده و نه هیچ یک از وعده های داده شده مسئولین به آنان به عمل درآمده است



در این میان اما وضعیت پرستاران شرکتی از پرستاران رسمی از لحاظ حقوق و دستمزد و مزایا بدتر از پرستاران رسمی است. بهمین جهت به رغم مشترکات بسیار میان رسمی ها و غیر رسمی ها، اعتراضات در میان پرستاران شرکتی و غیر رسمی بیشتر است. اخبار و گزارشهایی که هر بار در مورد اعتراضات این گروه بزرگ از پرستاران منتشر می شود نشان می دهند که مهمترین مطالبه پرستاران غیر رسمی استخدام رسمی توسط مراکز است که پرستاران را بجای استخدام مستقیم از شرکتهای واسطه‌ای و دلال نیروی کار اجاره می کنند. البته این به معنی آن نیست که پرستاران رسمی از وضعیت شغلی و مزدی شان رضایت دارند. که اگر رضایت داشتند هر ساله تعداد زیادی از آنها تن به مهاجرت نا خواسته نمی دادند.

به گفته مریم حضرتی معاون پرستاری وزارت بهداشت، تعداد پرستارانی که مهاجرت می کنند زیاد است اما آماری در مورد آنها وجود ندارد. مهاجرت پرستاران در حالی سال به سال بیشتر می شود که به گفته مریم حضرتی هم اکنون مراکز درمانی با کمبود شدید پرستار مواجه هستند.

در سال ۹۷ او گفت: "هم اکنون حدود ۱۵۰ هزار پرستار در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی مشغول خدمت هستند، اما با توجه به استانداردها به حدود ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار پرستار دیگر در این مراکز نیاز داریم

نیاز به پرستار اینک بیشتر هم شده است. با این وصف صاحبان و مدیران اغلب بیمارستانها بجای استخدام پرستار تعداد پرستاران را ثابت و بر شدت کار و اضافه کاری اجباری پرستاران افزوده‌اند. از آنجا که خیلی از پرستاران مایل به اضافه کاری اجباری در شرایط کار فشرده نیستند و توش و توان آن را هم ندارند عده‌ای از آنان از کار خود کناره گیری و به مهاجرت به امید یافتن کار با شرایط بهتر روی می آورند.

به گزارش ایران پزشک به نقل از ایرنا، مریم حضرتی روز یکشنبه درباره استاندارد تعداد پرستاران در " کشور افزود: نسبت تعداد پرستار به تخت در حال حاضر حدود یک تا ۱.۱ است. در حالی که بر اساس استاندارد تعداد پرستار به تخت در افق ۱۴۰۴ باید به نسبت ۲.۵ پرستار به ازای هر تخت برسیم. ضمن این‌که در شرایط فعلی نیز باید حداقل به نسبت ۱.۸ پرستار به ازای هر تخت برسیم، بنابراین در شرایط "فعلی تعداد پرستاران کشور باید حداقل دو برابر شود

با وجود گذشت ۴ سال این وعده هنوز عملی نشده است و نشان می دهد که مسئولین تعهدی نسبت به وعده‌های که می دهند ندارد

کما اینکه هر سال در روز پرستار وعده‌های می دهند که هیچگاه به صورت نصفه نیمه هم به آن عمل نمی کنند.

در دوران کرونا هزاران پرستار شرکتی و قراردادی را با دادن وعده استخدام بکار گرفتند ولی از استخدام اکثر آنها بعد از اتمام کرونا امتناع کردند. تعدادی از آنها نیز متأسفانه در حین کار کرونا گرفتند و جان باختند و تعداد بیشتری نیز بیمار شدند

یکی از مطالبات اصلی عموم پرستاران "اجرای تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری" است که سالهاست اجرا نشده مانده. رئیسی در جلسه‌ای بمناسبت روز پرستار گفت: "گر امسال اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری آغاز نشده بود بنده رو و آمادگی حضور در جمع شما را نداشتم، اما به لطف خدا و با همت مسئولان اجرای این قانون آغاز شده و در آینده تکمیل شده و ارتقا خواهد یافت". خوب که به چینش این کلمات توجه شود، معلوم می شود دروغ و فریب کاری در آن موج می زند و هنوز این موضوع نه به دار است و نه به بار. در بهترین حالت حواله به آینده ای است که توسط سلف رئیسی هم داده شده ولی پس از سالها (۱۵ سال) همچنان در حد وعده باقی مانده است. بهمین جهت و از روی شناخت است که پرستاران حاضر نیستند زیر بار وعده و آئین نامه‌ای بروند که معتقدند حقوق آنها را تامین نمی کند. "محمود



عمیدی" یکی از اعضای خانه پرستار به خبرگزاری ایلنا در خصوص پرداخت علی الحساب تعرفه گذاری گفت: "آیین نامه‌ی تعرفه گذاری از دو سال پیش نوشته شده و آنچه به عنوان علی الحساب پرداخت شده از همین آیین نامه برآمده است. ما از همان زمان مخالف این آیین نامه بودیم و انتقادات بسیاری به آن داشتیم اما بدون توجه به این انتقادات بالاخره مبلغی را به عنوان علی الحساب برای شروع تعرفه گذاری پرداخت کردند که همین مبلغ هم باعث اعتراض پرستاران شد

یعنی در واقع و در بهترین حالت دولت می خواهد همان بلایی را بر سر تعرفه گذاری بیاورد که بر سر همسان سازی حقوق بازنشستگان و رتبه بندی معلمان و ماده ۱۰ مربوط به مزایای شغلی کارگران رسمی نفت آورد. امیدواریم تا سال آینده به همت همه کسانی که ۴۳ سال حقوق شان پایمال شده نه اثری از رئیسی و حکومت باقی بماند و نه جایی برای این همه فریبکاری و دوز و کلک و پرستاران زحمتکش بتوانند بجای اعتراض در روز پرستار و بدون دغدغه های شغلی کنونی این روز را با جشن و شادی برگزار کنند.



تصویر دیگری از دومین روز اعتصاب همکاران در شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر. دوشنبه چهارده آذر

برای ما مردم راهی جز مبارزه متحد برای دفاع از زندگی مان نمانده است

نیروهای پیمانکاری شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر امروز دوشنبه چهاردهم آذر وارد دومین روز اعتصاب خود شدند



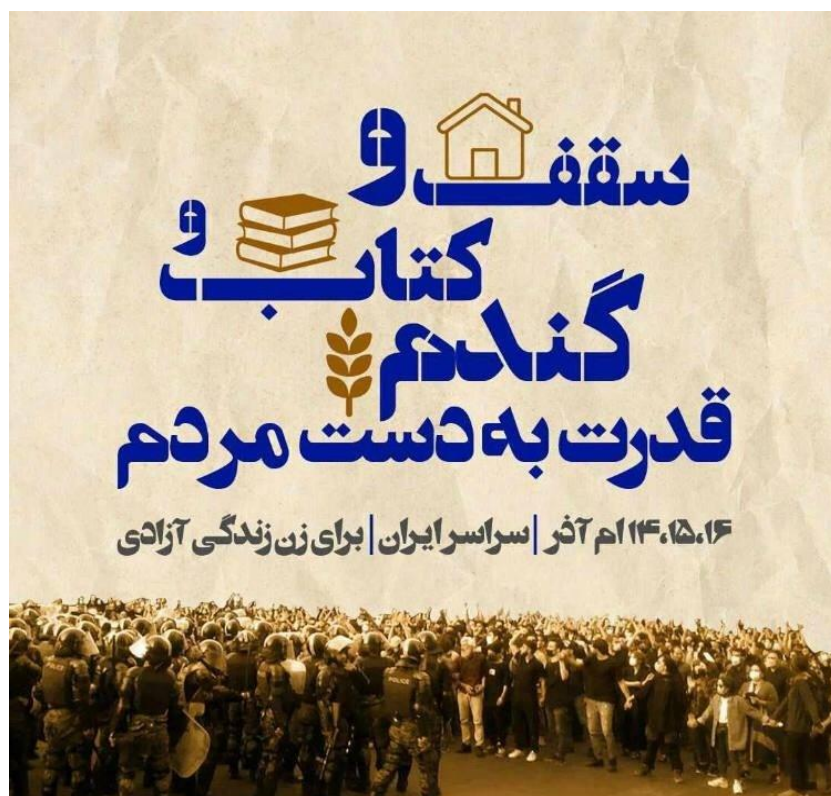


این همکاران که به پائین بودن دستمزدها؛ عدم دریافت حق بهره وری و پاداش؛ عدم اجرای طبقه بندی و وجود تبعیض های بسیار بین کارگران پیمانکاری و رسمی معترض هستند گفته اند به اعتصاب خود در ..روزهای آینده و تا رسیدن به خواست ها ادامه خواهند داد

حمایت و همراهی با اعتصاب سراسری ۳ روزه
شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت از فراخوان به سه روز اعتراضی ۱۴ تا ۱۶ آذر حمایت میکند



بازگشت کارگران به اعتصاب در ۱۵ آذر برای سومین بار طی دو هفته





حمایت از اعتصاب سه روزه و فراخوان سازمانگران میدانی اعتراضات جنبش انقلابی زن،
زندگی، آزادی



آزادی دو فعال سندیکایی معلمان

سوران (اسکندر عزیز و مسعود

های صنفی معلمان ایران، و سوران_اسکندر_لطفی، سخنگوی شورای هماهنگی تشکل
مسعود_نیکخواه، عضو هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان مریوان، که در روز ۱۶ مهر
۱۴۰۱ بازداشت شده بود، امروز ۱۴ آذر ۱۴۰۱ آزاد شدند

لازم به ذکر است که آقایان سوران_اسکندر_لطفی و مسعود_نیکخواه، در حالی مجددا
بازداشت شدند که با وثیقه ۲ میلیاردی، بعد از حدود ۵ ماه بازداشت و انفرادی، در اواخر
مرداد ماه آزاد شده بودند. و با وجود وثیقه قبلی، مجددا با تودیع ۵۰۰ میلیون وثیقه
جدید آزاد شدند



های صنفی معلمان ایران، ضمن استقبال از آزادی #سوران_اسکندر_لطفی، و شورای هماهنگی تشکل مسعود_نیکخواه و تبریک به ایشان، خانواده‌هایشان و تک تک جامعه‌ی فرهنگی ایران، آزادی بی قید و شرط سایر همکاران بازداشتی را خواستار است. شورای هماهنگی همچنان با تاکید خواهان پایان دادن های سنگین و غیرمعقول، در قبال آزادی فعالین صنفی دربند سازی علیه فعالین صنفی و روند وثیقه‌پرونده است.

معلمان زندانی تنها نیستند



!فراندم واقعی در خیابان و اعتصاب سه روزه در حال انجام است مردم در روز ۱۴ آذر به فراخون اعتصاب و اعتراض توسط رهبران میدانی جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی، در داخل کشور پاسخ شایسته دادند و به بطور گسترده در آن شرکت کردند. استقبال بی سابقه و قاطع گروه های مختلف شغلی و اجتماعی در نخستین روز اعتصاب در واقع یک نه بزرگ و یک فراندوم واقعی و دمکراتیک به جمهوری اسلامی در فضای امنیتی حاکم و در سایه تهدیدات رژیم برای جلوگیری از اعتصاب بود. هیچ فراندومی بی غرض تر و دمکراتیکتر و مردمی تر از این در ایران امروز متصور نیست

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگرگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>